

**From Passive Defense to Cultural Security, Existing and Desirable
Policies and Measures of the Islamic Republic of Iran:
with Emphasis on the Basic Document of the Iranian Islamic
Model of Progress**

Seyed Majid Emami¹

Received: 13/08/2021

Accepted: 16/11/2021

Abstract

One of the most important issues of any cultural system and any independent government in the world today is to anticipate threats and protect structures and agencies from any aggressive and hostile crisis. The importance of cultural-identity security in the policy-making literature is unanimous and we find common issues. The content of the policies has been researched and written. This research is naturally conducted in the light of a review study and reminders of research related to passive defense policy issues as cultural security. One of the most important issues of any cultural system and any independent government in the world today is to anticipate threats and protect structures and agencies from any aggressive and hostile crisis. The importance of cultural-identity security in the policy-making literature is unanimous and we find common issues. The content of the policies has been researched and written. This research is naturally conducted in the light of a review study and reminders of research related to passive defense policy issues as cultural security.

Keyword

Passive Defense; Cultural Security; Iranian Islamic Model of Progress; Policy Theory; Islamic Republic of Iran.

1. Assistant Professor, Faculty of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. s.m.emamy@isu.ac.ir

از دفاع غیرعامل تا امنیت فرهنگی؛ سیاست‌ها و تدابیر موجود و مطلوب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سند پایه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

سیده مجید امامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

چکیده

از مهم‌ترین موضوعات هر نظام فرهنگی و دولت مستقلى در جهان امروز، پیش‌بینی تهدیدها و مصون‌سازی ساختارها و عاملیت‌ها از هرگونه بحران‌آفرینی مهاجم و متخاصم است. اگر ابعاد فرهنگی - ارتباطی این دفاع غیرنظامی و غیرمسلح را برجسته‌سازیم، با حوزه مهم امنیت فرهنگی-هویتی در ادبیات سیاست‌گذاری هم‌صدا می‌شود و مسائل مشترکی می‌یابیم. موضوع این مقاله، بازخوانی و مقایسه دستور کارها و تدابیر سیاستی موجود و مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران ناظر به این میدان مشترک است که با روش اسنادی و تحلیل مضمون سیاست‌ها، تحقیق و نگارش شده است. این تحقیق طبعاً تحت پرتو مطالعه مروری و یادآوری پژوهش‌های مرتبط با مسائل سیاستی پدافند غیرعامل به‌مثابه امنیت فرهنگی محقق شده است. در پایان، بر اساس تطبیق و تحلیل انتقادی محقق، مهم‌ترین مسائل و تدابیر مطلوب، اما مغفول، صورت‌بندی و پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

دفاع غیرعامل؛ امنیت فرهنگی؛ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ نظریه سیاستی؛ جمهوری اسلامی ایران.

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
s.m.emamy@isu.ac.ir

مقدمه

در طول تاریخ و تحول تمدن‌ها، جوامع انسانی همواره در تهدید جنگ و خشونت‌های حاصل از آن بوده‌اند؛ به طوری که در قرن ۲۰، بیش از ۲۲۰ جنگ به وقوع پیوسته که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر تلفات انسانی دربرداشته است و طی ۶۹ سال، یعنی طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۴، در کره زمین تنها چند هفته بدون جنگ بوده و جالب اینکه، بیشتر این جنگ‌ها در خاورمیانه و در همسایگی کشورمان به وقوع پیوسته است (میرسمیعی، ۱۳۹۱-الف). نظر به این پیشینه و قاعده عقلی و جوب دفع خطر احتمالی (و اهتمام بر آن) و نیز پیشرفت‌های فناورانه که هم ابعاد آسیب‌پذیری و هم وجوه بازدارندگی را متحول کرده است، توجه به مسئله دفاع غیرنظامی و مصون‌سازی پیش از بحران حائز اهمیت بوده و لازم است برای دستیابی به اهداف و اصول پدافند غیرعامل، فرهنگ و خط‌مشی آن در تمام سطوح و بخش‌های مختلف توسعه یابد تا با بهره‌گیری از آن، نیروی انسانی، تأسیسات و تجهیزات حساس و حیاتی هنگام تهدیدات گسترده دشمن حفظ شود. در مقاله پیش رو، نخست سعی کرده‌ایم این موضوع را با محوریت مفهومی امنیت فرهنگی در لسان رسمی و ادبیات موجود (سیاست‌های برنامه ششم و نیز سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل/سیاست‌های اجرایی پدافند غیرعامل فرهنگی^۱) و مطلوب (سند الگوی پایه پیشرفت) مورد بررسی قرار دهیم. ساخت هویت ملی و دینی برای جلوگیری از تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، همچنین، هدایت و مدیریت افکار عمومی جامعه در تقابل جنگ اطلاعاتی-ارتباطاتی قبل و حین بحران که قاعدتاً امروزه از طریق فضای مجازی تحقق می‌یابد، مهندسی دیپلماسی فرهنگی با کشورهایی که با آن‌ها تقارب فرهنگی، دینی و ملی داریم برای جلوگیری از نفوذ دشمنان و از بین بردن الفت و هم‌زیستی به میراث‌رسیده و صدور فرهنگ اسلامی-ایرانی به مثابه افزایش نفوذ فرهنگی، برخی از این موارد است.

در پایان، مسائل یا سیاست‌های مغفول سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی-ایرانی را بر اساس سیاست‌پژوهی و مرور پژوهش‌ها و مطالعات داخلی و خارجی، به سیاست‌گذاران توسعه و پیشرفت در ایران پیشنهاد داده‌ام.

۱. اعلامی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۱۳۹۸/۱۱/۲۹، به نشانی <https://paydarymelli.ir/fa/news/>

۱. تحلیل و تبیین مسئله

«الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، در حکم دکترین مطلوب و مختار نظام در لایه دولت‌سازی، می‌خواهد ریل‌گذاری برنامه‌ریزی کشور در بازه‌ای بلندمدت^۱ باشد که مشخصاً برنامه‌های پنج‌ساله و البته گفتمان پیشرفت (توسعه) جامعه ایرانی را اشراق و تغذیه خواهد کرد. حال اگر به دلیل ضعف روش‌شناختی، غفلت‌های عملی و نارسایی‌های نظری، همه موجودیت حکمرانی ملی و ظرفیت‌های تحقیقی این تحول و پیشرفت مورد نظر قرار نگیرد، شاهد الگویی ناقص و غیرگفتمان‌ساز خواهیم بود که فاقد نگاه سیستمی به پیشرفت در کشور است. این بدان معنا نیست که واجب است همه نهادها، سازمان‌ها، طبقات، اصناف، اقشار، مأموریت‌ها و... در سندی مختصر و محدود، بازتکرار شوند یا سهم خواهی کنند، بلکه برای این است که همه ابعاد ساختاری نظام بتوانند آن را برای خود الهام‌بخش و جهت‌ساز بدانند. الگوی پیشرفت می‌خواهد نظام تصمیم‌گیری حاکمیتی (در برابر نظام اداری/مدیریتی) کشور را هدایت کند و تا حد امکان از سه‌گانه تصمیم بد، بی‌تصمیمی و تصمیم‌گیری تأخیری (دانایی فر، ۱۳۹۸) برهاند و ترجمانی پویا و جامع بر اسناد مادر ملی، یعنی قانون اساسی و مراد مؤسسان نظام باشد تا طبعاً کیفیت کشورداری افزایش یابد. گزارش حاضر بازاندیشی در تدابیر فرهنگی-ارتباطی سند الگوی پایه و نیز استخراج نقاط خلأ و غفلت آن از این منظر است. این مقاله می‌کوشد از رهاورد فهم عمیق رویکرد «امنیت فرهنگی»، به تبیین اصلاح یا تأسیس برخی سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی موجود و مطلوب در این میدان بپردازد.

در ادامه، برای فهم مسائل سیاستی نظام در عرصه فرهنگ و ارتباطات، یکی از جدیدترین اسناد جامع ملی را که از سطح حاکمیتی، کلان و نهایی شده برخوردار است، مرور می‌کنیم. براین اساس، مشخص می‌شود که «الگوی پایه پیشرفت» به‌مثابه سیاست مطلوب پیشنهادی (که یک مرکز راهبردی زیر نظر ولی فقیه تنظیم کرده و رهبری در معرض شور نخبگان قرار داده است و تا تاریخ نگارش این مقاله، هنوز ادامه دارد) تا چه

۱. رهبری در دعوت عام صاحب‌نظران به تکمیل و متمین متن الگوی پایه، به دوره‌ای ۵۰ ساله اشاره کرده‌اند که مبنای ماست.

حد با مسائل سیاستی تطابق یا تغایر دارد و در این تطابق یا تغایر، چه توجهی به اصل پدافند غیرعامل شده یا نشده است؟

۲. چهارچوب مفهومی

سیاست‌های کلی نظام، و به‌طور مشخص سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل، این مقوله را به شرح ذیل تعریف کرده است:

«مجموع اقدام‌های غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدام‌های نظامی دشمن می‌شود».

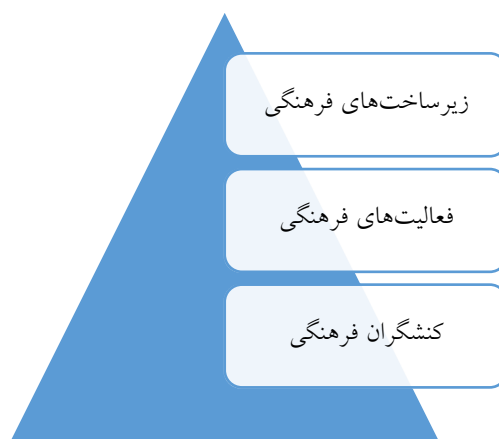
پدافند غیرعامل نه یک بخش و حتی فرابخش از میدان اجرایی کشور، و نه یک عرصه و فراز از حکمرانی، بلکه شرط، توصیه و رویکردی جامع و فراگیر است^۱ که همه بخش‌ها، فرابخش‌ها و عرصه‌های حکمرانی را دربرمی‌گیرد. اگر تعریف مطرح در متن سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل را مبنا قرار دهیم، افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت و تسهیل مدیریت بحران^۲، هر بخش و عرصه‌ای از کشور را

۱. تنها به همین فراز از بیانات فرمانده کل قوا توجه کنید: پدافند غیرعامل یک اصل خواهد بود برای همیشه نه یک مقطع خاص. ... مسئله یک مسئله مستمر همیشگی است. ببینید چقدر مهم است که ما این حالت را در کل بیکره کشور و جامعه و دستگاه‌های مختلف به وجود بیاوریم. کاری کنید که همت ما فقط معطوف به این نباشد که دشمن را منصرف کنیم یا برای مقابله خودمان را آماده بکنیم. نه؛ کاری کنیم که مصونیت را در خودمان به وجود بیاوریم. این با پدافند غیرعامل تحقق پیدا می‌کند. بنابراین، مسئله، مسئله بسیار مهمی است که بایستی راه بیفتد (۱۳۹۱/۸/۷).

۲. تهدیدات ذی‌ربط پدافند غیرعامل شامل تهدیدات نظامی و سایبری، زیستی (انسان، دام، کشاورزی، مواد غذایی و دارویی، آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی)، پرتوی، شیمیایی و اقتصادی است که سیاست‌گذاری، هدایت و برنامه‌ریزی مقابله با تهدیدات یادشده، در قرارگاه‌های (پدافند سایبری، پدافند زیستی، پدافند پرتوی، پدافند شیمیایی، پدافند اقتصادی و پدافند مردمی) تشکیلاتی سازمان پدافند غیرعامل کشور انجام می‌پذیرد. قرارگاه‌های یادشده در سطوح استانی هم تشکیل شده و در حال فعالیت‌اند.

مقابله با تهدیدات طبیعی (زلزله، سیل، آتشفشان، خشک‌سالی، سرما و...) که جزو حوادث طبیعی و غیرمترقبه هستند، در حوزه مسئولیتی سازمان مدیریت بحران کشور، وابسته به وزارت کشور است و در حوزه مسئولیتی سازمان پدافند غیرعامل کشور قرار نمی‌گیرد.

در شرایط تهدید دشمن (عوامل غیرطبیعی^۱) و تسهیل مدیریت بحران هدف قرار داده است. حال پرسش اساسی اینجاست که ماهیت نرم‌افزاری، ادراکی و بین‌الذهانی فرهنگ و حتی بخش فرهنگی جامعه، با این رویکرد و توصیه اساسی چه نسبتی برقرار می‌سازد؟ طبعاً توجه به لایه امکانات، تأسیسات و فضاها، فرهنگی یا حتی لایه فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی، تقلیل پدافند غیرعامل است حال آنکه حفظ و صیانت از نظام ارزشی جامعه، افکار عمومی و احساسات عامه و امید و اعتماد و امنیت روانی - اجتماعی جامعه در زمان تجاوز دشمن بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر است.



شکل (۱): چهارچوب مفهومی پدافند غیرعامل

منبع: یافته‌های تحقیق

بر این ممشا، می‌توانیم مهم‌ترین سطح پدافند غیرعامل فرهنگی را تعیین و هدف‌گذاری کنیم:

ماهیت: افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری هویت و ارزش‌های فرهنگی در شرایط تهدید که البته خود را در کنشگران فرهنگی متعین می‌سازد.

۱. طبعاً سازمان مدیریت بحران کشور و ستاد مدیریت بحران هر استان و هر دستگاه هم رسیدگی به بحران‌های طبیعی و نیز آن دسته از غیرطبیعی‌ها را که مستقیماً از ناحیه تجاوز دشمن محقق نشده است، مد نظر دارد. این بحران‌ها را فاجعه یا بلایا هم می‌توان خواند.

هدف: حفظ، صیانت، ارتقا و تقویت نظام ارزشی جامعه متجلی در افکار عمومی و نگرش‌های روزمره از تغییر، تخریب و تهدید دشمن (نرم و سخت).

۳. افکار عمومی و جنگ‌های شناختی

این توجه به موضوع فرهنگی یا نگرش‌ها و افکار کنشگران، البته به معنای غفلت از سطوح رویین دفاع بدون سلاح از بخش فرهنگ، هنر و ارتباطات نیست. برای مثال، حفظ توان تولید رسانه‌ای هنری سازمان‌های رسمی و مردمی در شرایط تهاجم یا برقراری و بازدارندگی امنیتی محیط‌های اصیل، مناسک عبادی خصوصاً مساجد و زیارتگاه‌ها را سامان می‌دهد. مثال دیگر، ارتباطات و رسانه‌های سایبری است که حفظ و تاب‌آوری کنشگران آن از زیرساخت آن کم‌اهمیت‌تر نیست. اثرگذاری و سایبری شدن فناوری، زندگی و کنش‌های انسانی، به‌نوعی معماری جامعه و زیرساخت‌های آن را دچار تغییر و تحول اساسی می‌کند^۱. این تغییرات از جنس اثر فناوری برپدیده‌هاست. اگر این اثرات و تغییرات را مدیریت نکنیم، مانند گاهی در امواج خروشان فناوری خواهیم بود. در ارزیابی و پایش مهم‌ترین تهدیداتی که امروز متوجه زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی کشور است، باید گفت، «جنگ ترکیبی رسانه‌محور» یکی از مهم‌ترین مخاطراتی است که کیان کشور را تهدید می‌کند، اما باید دانست که میدان و محیط حیات این مخاطره، مردم، ذهن مردم و به عبارت دقیق‌تر، «افکار عمومی» است (مجیبی، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، رابطه مستقیمی بین افکار عمومی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. احساس امنیت اجتماعی در جامعه، زمینه را برای سازگاری بین گروه‌های اجتماعی، قومی، دینی و نژادی مختلف (با توجه به تنوع این شاخص‌ها در کشور ما) فراهم و فضای اجتماعی امن‌تری برای تعاملات اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، در صورت تأمین احساس امنیت اجتماعی در جامعه برای گروه‌های مختلف متناسب به هویت‌های گوناگون، امنیت ایجاد خواهد شد. عواملی مانند رهبران فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سودطلب و آرمان‌گرا و استفاده از رسانه‌های داخلی، بر احساس امنیت اجتماعی افراد مد نظر به‌صورت مستقیم و معنادار، و شایعات، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و

۱. تعبیر رئیس سازمان پدافند غیرعامل.

رسانه‌های خارجی بر این احساس، به شیوه معکوس و معنادار تأثیر دارند (مقتدایی و امیری، ۱۳۹۶).

۴. امنیت فرهنگی، انسانی و اجتماعی شده

در مقدمه گفتیم که ساخت هویت ملی و دینی برای جلوگیری از تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن و همچنین، هدایت و مدیریت افکار عمومی جامعه در مقابل تهاجم اطلاعاتی-ارتباطاتی قبل و حین بحران، از تأکیدات «اندیشه پدافند غیرعامل» به نظام فرهنگی جمهوری اسلامی است. مهم‌ترین نسبت نظام دفاعی-امنیتی جامعه (که پدافند غیرعامل پیشانی آن است) با حوزه فرهنگ را در کدام میدان نظری باید جست؟ پاسخ واضح، اما در ادبیات پدافند غیرعامل مغفول مانده است. با تقویت رویکردهای ایجابی، فرهنگ‌گرایی در مطالعات امنیت ملی آغاز شد کم‌کم به فرهنگ امنیت ملی توجه شد؛ بدین معنا که منافع امنیت ملی را بازیگرانی مطرح می‌کنند که خود کنشگر فرهنگی هستند. سازه‌گرایان، پیشرو این توجه به مفهوم هویت بودند. هویت به‌مثابه مهم‌ترین برساخته فرهنگی، با تعیین منافع سیاسی برجسته می‌شود و از همین‌جا فرهنگ ملی و راهبردی به‌مثابه موضوع مهم امنیت طرح شد. امنیت فرهنگی ملی، تأکید بر حفاظت از ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های عمدتاً خارجی است. تهدید هم در این نگاه، چیزی است که ارزش‌ها و معانی که مجموعاً حافظه ملی جامعه را می‌سازد، تخریب یا ناکارآمد کند و نیز گسترش جدایی هویت‌های فرهنگی و قومی بین گروه‌ها. در مقابل، در محیط امن فرهنگی، قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول و پویایی محقق می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸، ص. ۳۴) فرست هم معتقد است، امنیت فرهنگی از طریق مراقبت‌های فعال یک فرهنگ و ارتقای شرایط پیشینی لازم برای رشد و توسعه سازگاری‌های آن، حاصل می‌شود. درنهایت، امنیت فرهنگی ملی شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی، با اجازه دادن به تغییرات، پذیرفتنی می‌شود^۱. آثار ناخواسته

۱. هم‌راستا با ادبیات امنیت فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دکترین‌های فعال در سیاست فرهنگی کشورهای جهان، دکترین تنوع فرهنگی است. سی وسومین نشست کنفرانس عمومی یونسکو در اکتبر ۲۰۰۵، منجر به تصویب کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع «بیان‌های فرهنگی» شد که بر اثر فرایندهای کنونی جهانی، بسیار آسیب‌پذیر شده و

و جانی هر سطحی از «تماس فرهنگی» و حفاظت از ارزش‌های بنیادین جامعه، همواره از مهم‌ترین مسائل نظام‌های سیاسی است که به‌خاطر آن، نیازمند امنیت فرهنگی ملی هستند که در جامعه ما که پیوند عمیق‌تری بین نظام سیاسی با ارزش‌های فرهنگی افراد، گروه‌ها و... وجود دارد، جدی‌تر است؛ تا آنجا که حتی یک ممشای فرهنگی-ارزشی، به‌راحتی تقابل با نهاد حاکمیت تلقی، تداعی و تصور می‌شود (مانند مسئله حجاب). در دوره جدید و افزایش دسترسی به ارتباطات و جابه‌جایی ارزشی، شاهد واگرایی هویت‌های فروملی نسبت به هویت فرهنگی ملی هستیم (از طریق مقایسه خود با دیگران و نیز تماس فرهنگی) و طبعاً انگیزه‌ها برای جدایی‌طلبی هویتی و درنهایت، سیاسی، محتمل‌تر می‌شود. جهانی‌سازی و یکسان‌سازی رو به تزاید ارزش‌ها و سبک زندگی خاص، خصوصاً از طریق هجوم صنایع فرهنگی، منشأ دیگر تهدیدهای امروزی است. به‌هرحال، مهم‌ترین عامل بقای فرهنگ مورد تهدید از خارج، اولاً، قدرت تطابق با محیط متغیر فرهنگ جهانی است و ثانیاً، امکان و توان مقاومت فرهنگی که موضوعی فراتر از تطابق، و البته، انفعال و تدافع است. در سطح داخلی هم خصوصاً کشورهای دارای تنوع

تاکنون از هیچ حمایت خاصی برخوردار نبوده‌اند. این کنوانسیون برخلاف اعلامیه یونسکو، سند حقوقی الزام‌آوری برای کشورهایی است که آن را تصویب کرده‌اند. تصویب این کنوانسیون خودبه‌خود اتفاق نیفتاد و سه نکته موجود در آن، مباحثات فراوانی به دنبال داشت؛ نکته اول مربوط به تعریف‌ها، خصوصاً تعریف کالاها و خدمات فرهنگی است. آیا این کالاها باید مانند همه کالاهای دیگر تلقی شوند؛ کالاهایی که هم ارزش اقتصادی دارند هم ارزش فرهنگی و بنابراین نباید منحصراً کالای تجاری تلقی شوند. هدف کنوانسیون که در بند اول بیان شده است، شناسایی سرشت ویژه فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی به‌منزله محمل‌های هویت، ارزش‌ها و معناست. به بیان ساده، این بدان معناست که فیلم، سی‌دی یا کتاب فقط تابع قوانین بازار نیست، بلکه هریک به‌منزله محمل هویت، ارزش و معنا می‌تواند از حمایت (یعنی طبق نص صریح تعاریف حفظ، مراقبت و ترویج) برخوردار شود. نکته دوم می‌گوید، دولت‌های عضو می‌توانند سیاست‌های فرهنگی را برای حمایت از خلاقیت اتخاذ کنند. برای مثال، آن‌ها می‌توانند با لحاظ کردن حقوق بشر و جریان آزاد اطلاعات، برای هنر و فرهنگ، یارانه اختصاص دهند یا با اعطای معافیت‌های مالیاتی، فرهنگ‌های ملی خود را تشویق و حمایت کنند. سرانجام، نکته سوم مربوط به ماده ۲۰ می‌شود که اعلام می‌دارد، کنوانسیون متناقض با معاهدات دیگر نخواهد بود، بلکه طبق اصل «حمایت متقابل، تکمیل‌کنندگی و عدم فرعیّت» عمل خواهد کرد. نکته مربوط به همکاری فرهنگی بین‌المللی (ماده‌های ۱۲ تا ۱۹) که کمتر بحث‌برانگیز بود، صورت جدیدی از شرایط هم‌بستگی را پیش‌بینی می‌کند و فرهنگ را در قلب توسعه قرار می‌دهد (به نقل از: نشریه پیام یونسکو، شماره ۳۸۹، سال ۳۷، بهمن ۱۳۹۱، ترجمه و انتشار کمیسیون ملی یونسکو در تهران).

قومی، زبانی، مذهبی و...، از آنجاکه هویت فرهنگی ملی مستلزم وفاق و هم‌گرایی و تلائم [سازگاری] تنوع‌ها در کنار یکدیگر است، باید مراقبت‌های ویژه داشته باشند و از واگرایی پرهیز کنند و مرتب به فکر هم‌گرایی باشند. احساس خودبرتری نسبت به دیگر خرده‌فرهنگ‌ها که تحقیر، احساس بی‌عدالتی و فقدان موقعیت شایسته در حاکمیت را به اقلیت‌ها القا می‌کند، خود، تهدید بزرگی است.

امنیت فرهنگی-انسانی را بیشتر مشابه تأمین و تضمین حقوق اقلیت‌ها و شهروندی دانسته‌اند؛ البته مفهوم امنیت انسانی جعل شده است تا نشان دهد در عین تأمین همه شاخص‌های امنیت کلان، سخت و سیاسی، ممکن است امنیت انسان به‌مثابه فرد و موجودی فرهنگی فراموش شود (سازمان ملل انواع هفت‌گانه امنیت انسانی را شامل اقتصاد، غذا، محیط‌زیست، فردی، اجتماعی و سیاسی می‌داند). تهرانیان آزادی عقیده، وجدان، زبان، بیان، سبک زندگی، نژاد، جنسیت، گروه‌ها، انجمن‌ها و مشارکت‌های فرهنگی و سیاسی را به‌عنوان اجزای مختلف حقوق فرهنگی اقلیت‌های ساکن، مهاجر یا پناهنده برمی‌شمرد که ممکن است تحت تأثیر سیاست‌ها یا فشار دولت‌های ملی یا نیروهای جهانی تهدید شود (تهرانیان، ۲۰۰۴، ص. ۴).^۱

تا اینجا مشخص شد که امنیت فرهنگی-ملی ناظر بر فرهنگ نهاد حاکم دولت-ملت و امنیت فرهنگی انسان ناظر بر گروه‌های غیرحاکم و حفظ و صیانت از حقوق آن‌هاست. **امنیت اجتماعی** شده^۲ (فراتر از امنیت اجتماعی) هم چهارچوب نظری سومی است که از دل آن، مسائل الگوی پیشرفت در عرصه فرهنگ، تربیت و ارتباطات را استخراج می‌کنیم. چهارمین نسل ادبیات امنیت اجتماعی که متعلق است به مکتب کپنهاک، بحث را روی مسئله هویت و خرده‌هویت‌های درون جامعه متمرکز کرده است. باری بوزان در کتاب **چهارچوب دوره‌ای برای تجزیه و تحلیل امنیت**، آن را به تصویر کشیده است (افتخاری، ۱۳۹۲).

۱. این بحث برگرفته از این پژوهش است: آشنا و اسماعیلی، «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۲(۵)، ۱۳۸۸.

۵. دلالت‌ها و سیاست‌های موجود

ما دو سند مهم و اساسی را مبنا و داللت‌گر فهم سیاست‌های موجود و طبعاً مسائل سیاستی (دستور کارهای کلان) در موضوع پدافند غیرعامل ارتباطی فرهنگی قرار می‌دهیم؛ یکی که مستقیماً به این موضوع مرتبط و دیگری چتر بالای سر تنظیم آخرین برنامه توسعه پنج‌ساله در جمهوری اسلامی ایران بوده است و از این حیث، اتقان و الزام بالایی را دارد. در مقدمه متن ابلاغی سیاست‌های برنامه (۱۳۹۴) به رئیس‌جمهوری وقت، مهم‌ترین دلالت ممکن بر پدافند غیرعامل فرهنگی را شاهدیم و آن هم «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» است که منظور از مقاوم‌سازی، افزایش تاب‌آوری و حفظ نظام ارزشی جامعه در شرایط تهاجم و منازعات فرهنگی، فکری و ارزشی است؛ اما در دو بخش اجتماعی و فرهنگی سیاست‌ها، چندین سیاست فرهنگی نظام به چشم می‌خورد:

سیاست ۳۳: توسعه محتوای فضای مجازی بر اساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور، حداقل پنج برابر وضعیت کنونی، و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی. دو موضوع مطرح در این سیاست مهم، یعنی محتوا و شبکه، پیشران‌ها و ارکان فرهنگی نظام ارتباطات نوین هستند. در همین موضوع شبکه‌های اجتماعی، تهدیدزایی تلگرام و حضور بیش از ۴۰ درصدی ایرانیان در آن (و البته افزایش کاربران اینستاگرام تا ۵۰ درصد پس از فیلترینگ و نارسایی پوسته‌های تلگرام)، زنگ خطر جدی فقدان امنیت و پیشگیری در فضای مجازی ایران را به صدا در آورده است؛ چیزی که فیلتر تلگرام تنها با بخشی از آن مقابله کرد. از این‌رو عمومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی بومی از طریق سیاست‌های فرهنگی و زمینه‌ای مانند مصون‌سازی زیرساخت‌های حیاتی جامعه، مهم و اساسی است. دیگر ارکان حکمرانی فضای مجازی، از سواد اطلاعاتی و اخلاقی در رسانه تا تنظیم‌گری (ریگولاتوری در و بر) مراکز داده (IDC) و صوت و تصویر فراگیر، بازاریابی و تجارت الکترونیک، دسترسی عمومی اقشار و اپراتوری شبکه و... همگی تحت مسئله امنیت فرهنگی بازطرح می‌شوند که لازم است در الگوی پیشرفت، دکترینی بر آن حاکم باشد.

سیاست ۷۲: حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی برای توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی-ایرانی و مقابله با تهدیدات. در واقع، این بند به کارآمدسازی، هشیارسازی و مقاوم‌سازی سازمان‌های کنشگر اجتماعی در حوزه

فرهنگ در نسبت با تهدیدات هویتی جهانی نظر دارد. مشکل بسیار مهم سازمان‌های فرهنگی، چه دولتی (حاکمیتی) و چه مردمی، خصوصاً به‌خاطر هویت مصرف‌کننده (بودجه و اعتبارات و... نفتی)، پاسخ‌گو، جذاب، متعامل و درگیر نبودن (نسبت با مخاطبان و نخبگان) و چابک و مسئله‌مند و هدفمند نبودن (محصولات و خروجی‌ها)، تهدیدی جدی در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

سیاست ۳۶: حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین‌المللی فضای مجازی. حضور فعال در فضای جهانی شده مجازی، تنها به سهم در تجارت الکترونیک یا... ختم نمی‌شود. سهم سازنده و هویت‌بخش در محتوای شبکه‌ای و جهانی شده فضای مجازی که طبعاً بخش مهمی از کاربری فارسی‌زبانان را تأمین خواهد کرد و اتخاذ سیاستی بازدارنده در توسعه محتوای پاک، نقش مهمی در بازدارندگی و دفاع غیرعامل نسبت به تهاجم فرهنگی-ارتباطی مخالفان اسلام ناب و انقلاب اسلامی دارد؛ البته دلالت بند ۳۴ سیاست‌ها در خصوص شبکه ملی اطلاعات نیز الهام‌بخش است که طبعاً در گزارش مستقل حوزه فناوری بدان پرداخته خواهد شد. بی‌شک، یکی از مهم‌ترین مسائل، بلکه سیاست‌های به نتیجه نرسیده جمهوری اسلامی ایران، تأمین زیرساختی داخلی و درون‌راهبر برای دسترسی‌های بومی است که حداقل ۵۰ درصد کاربری و تراکنش‌های ارتباطی ایرانیان را پوشش دهد. متأسفانه به دلایل اقتصادی-سیاسی (سهم دولت از شبکه و نت‌فروشی) و تضاد منافع، هنوز سیاست‌های صریح نظام در این حوزه محقق نشده است.

سیاست ۴۶: تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان با توجه به نقش سازنده آنان. حفظ مرکزیت نهاد خانواده در نظام اجتماعی-تربیتی جامعه ایرانی از دشوارترین و مهم‌ترین مأموریت‌های نظام جمهوری اسلامی، خصوصاً با توجه به امواج سهمگین تغییرات اجتماعی مدرن و پسامدرن است که فردی شدن، جنسیتی شدن، مادی شدن و حقوقی (در برابر اخلاقی) شدن زندگی انسان معاصر را تشدید کرده است.

سیاست ۴۸: هویت بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی-ایرانی. بی‌شک، پیوند هویت و معماری شهری از مهم‌ترین اصول

سیاست فرهنگی و حفظ اصالت و مقاومت در برابر تغییرات فرهنگ مهاجم است (یونسکو، ۱۳۸۱؛ نیک فطرت و بیطرف، ۱۳۹۵).

سیاست ۵۰: توسعه پایدار صنعت ایران‌گردی (پنج برابر شدن ایران‌گردی خارجی‌ان تا انتهای برنامه). جهان‌گردی موضوعی چندبعدی است، اما در معرفی اصالت و شأنت هویتی و تصویر ملی، نقش بسزایی در تقویت بنیه داخلی و قدرت نرم هر کشور در منازعات و تلاطم‌های بین‌المللی دارد.

سیاست ۵۱: حمایت از صنایع دستی و صیانت از میراث فرهنگی کشور. حفظ عرصه و اعیان مواریث ملموس فرهنگی و هویتی اعم از ابنیه، اشیا و بافت‌های تاریخی که در ادبیات جهانی از آن با عنوان سیاست محافظت فرهنگی^۱ یاد می‌شود، در موقعیت تهدیدات غیرطبیعی بیشتر مورد توجه است. نمونه‌های بارز تخریب و نابودی این مواریث در جنگ‌های افغانستان (مجموعه مجسمه‌های بودا)، عراق، سوریه (خصوصاً در حلب) و لبنان (قلعه نرون در بعلبک) نشان داد، منطقه ما به‌طور خاص در معرض تهدید علیه مواریث ملموس است.

سیاست ۵۳: ارتقای توان بازدارندگی کشور که کاملاً مرتبط با پدافند غیرعامل است، اما بند ۳ این سیاست، یعنی افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم، دفاع سایبری، تأمین پدافند و امنیت سایبری برای زیرساخت‌های کشور، بیشتر مورد توجه ماست. بی‌شک قدرت نرم، توجهات را به گستره افکار عمومی، دفاع و عملیات شناختی و صیانت از تصویر و مشروعیت و دل‌بستگی عمومی به نظام سیاسی سوق می‌دهد. این موضوع فرهنگی و ایدئولوژیک (دفاع نرم) که نه‌تنها در نظام ارتباطات سیاسی کشور، بلکه در ارکان هویت‌ساز و صنایع و خدمات فرهنگی اصیل جای دارد، در صعب‌ترین شرایط تهدید، با به کار انداختن و فعال کردن هم‌گرایی و هم‌بستگی هویت‌محور، سرمایه اجتماعی و علقه‌های معنوی مردم به سرزمین و نظام، مانند سدی آهنین در برابر تهدید سخت دشمن صف‌آرایی می‌کند.

سیاست ۶۱: توسعه کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی. داشتن رسانه‌های فرامرزی در واقع به معنای مدیریت تصویر و انگاره‌های جوامع رقیب، دوست و بی‌طرف در منازعات و نیز پی‌جویی اهداف ملی است.

سیاست ۶۲: بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین (سایبری و افکار عمومی) و عمومی (مشمول بر دیپلماسی آموزشی، علمی، هنری، ورزشی، نخبگانی، جهان‌گردی، جشنواره‌ای، مذهبی و...).

سیاست ۶۸: تلاش برای تبیین ارزش‌های انقلاب، دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران.

سیاست ۶۹: ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی و فرهنگ‌سازی در اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی. اگر اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری و درون‌گرایی اقتصادی باشد، این موضوع نیازمند زیرساختی از سبک زندگی و نظام مصرفی است که نیازها، ارزش‌ها و ظرفیت‌های اسلامی-ایرانی را ارجح بداند؛ چیزی که تاکنون از موانع جدی تحقق اقتصاد مقاومتی بوده است.

سیاست ۷۰: اجرای نقشه مهندسی و تحقق پیوست فرهنگی طرح‌های مهم.

سیاست ۷۱: حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار فرهنگی. سیاست حمایت دولت از فرهنگ و هنر از رایج‌ترین ابزار تحقق و پیگیری ارزش‌های عام و بنیادین نظام اجتماعی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم محقق می‌شود.

سیاست ۷۳: توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی-ایرانی در ساختارهای کشور. در این سیاست اغماض و اجمال نهفته است، ولی عطف توجه به هویت ملی (اسلامی-ایرانی) از مهم‌ترین ابعاد قدرت نرم است که تمرکز معنوی و هم‌گرایی اقوام، مذاهب، گویش‌ها و گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی را تأمین می‌کند.

۶. دلالت‌یابی سیاست‌های کلی پدافند

بند ۷: فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در زمینه به‌کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی... تنها سیاست صریح در این سند (که البته نگاه آلی و ابزاری به فرهنگ و ارتباطات دارد)، بند ۷ است. بی‌شک، مدیریت کلان پدافند غیرعامل در جامعه متحول و مرتب در حال تغییر کنونی، بدون اتکا به انگیزه‌های درونی، کنشگری آگاهانه و همراهی همدلانه شهروندان میسر نیست. این همراهی منحصر به کارکنان کشوری و لشکری

نیست و ظاهراً در همین متن سیاست‌ها هم هنوز جامعه و مردم به‌مثابه نقش‌آفرین اصلی مورد توجه نبوده‌اند؛ البته در ادامه این سیاست، پیش‌بینی آموزش‌های متناسب در سطح عمومی و عالی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل مورد تأکید بوده است، اما انحصار در فرایند و ابزار «آموزش» (غیرمدرسه‌ای/عام و اجتماعی)، با توجه به کارآمدی سایر ابزارهای سیاست فرهنگی، نقص مهمی است که در سند الگوی پیشرفت جبران‌پذیر است (وجوه و فروع فرهنگ‌سازی هم توضیح داده نشده است و طبعاً باید روح فرهنگی-ارتباطی تدابیر الگوی پیشرفت، اهداف پدافند را مد نظر داشته باشد).

۷. سیاست‌ها و دلالت‌های مطلوب

سند الگوی پایه پیشرفت ایرانی - اسلامی (پیشنهادی) دارای مقدمه، مبانی، رسالت و افق مهمی است که رویکرد و جهت‌گیری‌های اساسی تدوین‌کنندگان را نشان می‌دهد. برای مثال، خانواده‌گرایی که از سیاست‌های پایدار نظام بوده و هست، در افق ۵۰ ساله سند محوریت یافته است.^۱ درضمن، تعبیری کلی مانند تعالی فرهنگی و سرآمدی در تولید اندیشه و ابتنا بر معنویت نیز در بخش افق وجود دارد.^۲ از این‌رو با توجه به رسمیت‌تد/بیر سند در تولید برنامه‌ها و راهبردهای بعدی، مبنای تطبیق و ارزیابی خود را تدابیر قرار داده‌ایم. ابتدا تدابیر فرهنگی-ارتباطی را از منظر پدافند غیرعامل نقد و سپس خلأها را با تأکید بر سیاست‌های مصرح نظام و شرایط و جایگاه پدافند غیرعامل فرهنگی مرور می‌کنیم.

۱. در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی، مردم ایران دین‌دار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)، و با سبک زندگی و خانواده اسلامی-ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی، و شاغل در حرفه متناسب و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

۲. تا سال ۱۴۴۴ هجری شمسی، ایران به پیش‌تاز در تولید علوم انسانی-اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار است.

جدول (۱): سیاست‌ها و دلالت‌های مطلوب

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
۱۱	۱	ترویج اسلام ناب متناسب با مقتضیات روز، مأموریتی دائمی برای حکومت دینی است، اما هیچ آورده جدیدی برای نظام سیاست‌گذاری تبلیغ و نهاد حوزه ندارد (اجمال و کلیت).	- پویایی توأم با اصالت در ترویج ملی، منطقه‌ای و جهانی - اسلام ناب به‌مثابه پاسخ به بن‌بست‌های زندگی معاصر و رمز عزت و احیای تمدنی جوامع مسلمان.
۲۲	۲	تدبیر «تعمیق توحید، معادباوری و ایمان به غیب» مانند تدبیر قبل تکرار منویات قانون اساسی است و دلالتی بر الگوی خاصی از پیشرفت فرهنگی ندارد.	- اشراب نظری الگوهای حیات (تفکر، معنویت، علم و زندگی) و تربیت از مکتب توحیدی-فطری.
۳۳	۳	بسط قرآن و عترت، خصوصاً احتراز از انحراف و بدعت، تصریحی بر مسئله و تهدید بالقوه نظام فرهنگی، یعنی تغییرات ناخواسته ارزشی و رفتاری به نام دین، اما نقطه تمرکز تدبیر مجهول است.	- نهادینه‌سازی تلازم عملی «معرفت قرآن» و «مودت و مرجعیت عترت». - پیش‌یابی، رصد و مواجهه فعال با تغییرات و شرایط آینده دین‌داری در جامعه با تأکید بر پدافند غیرعامل فرهنگی.
۴۴	۴	ترویج هنجارهای مدنی و تبلیغ عملی دین، بازگشت به وجه اخلاقی و جامعه‌ساز دین را مورد نظر قرار می‌دهد. این تأکید بجا، اما همچنان چندپهلوی و غیردکترینال است.	- تقدم و پیشرانی تصویر اخلاقی از دین‌داری برای تغییر قضاوت نخبگان و ادراک عمومی از اسلام به‌مثابه جامعه.
۵۵	۵	شناساندن علمی و واقع‌بینانه دستاوردهای انقلاب. غیریت این دکترین مشخص نیست. از این رو اولاً، فهم غیرواقع‌بینانه از دستاوردهای انقلاب اسلامی گریبان‌گیر دوست و دشمن انقلاب است. ثانیاً، مدلول و مخاطب این واقع‌بینی کیست؟ ثالثاً، شناساندن علمی به معنای ابتنا بر	- شناخت و قضاوت واقع‌بینانه دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و پیش‌تمدنی به آینده آن.

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
		<p>نهادهای رسمی علمی (آکادمی) است. رابعاً، این دو قید در راستای تدبیری برای تبیین و القای ماهیت انقلاب اسلامی، کاملاً ابزاری، خنثی و حداقلی است و مثلاً برجسته‌سازی رویکرد تمدنی، فطری و انسانی به انقلاب اسلامی، خصوصاً برای مستضعفان عالم را مسکوت نهاده است.</p>	
۶	۶	<p>به جز قید و وصف عقلانی که جهت‌بخش و تمایزساز است (+)، هیچ‌یک از دیگر دوراهی‌ها و چالش‌های جدی توسعه نظام تعلیم و تربیت مطرح نشده است (اقتصاد سیاسی، درجه اولویت، نقش مردم، نهادهای دین و خانواده، درجه تمرکز، منابع^۱ و زیرساخت، جهانی‌گرایی یا بوم‌گرایی و...).</p>	<p>- شایسته است دیگر مسائل سیاستی نظام تعلیم و تربیت احصا و یک تا سه تدبیر هویت‌ساز منطبق بر سند تحول و موانع پیشرفت آن و نیز تحول در فرهنگ و ارتباطات جهانی و مجازی تدوین شود.</p> <p>- در نگاه انقلاب فرهنگی، لازم است الگوی آموزش و پرورش همراه و قرین با سیاست‌ها و الگوی فرهنگی باشد، اما این موضوع مستلزم ترسیم روابط ممکن و بازشناسی حوزه یا مسئله سیاستی آموزش فرهنگی و فرهنگ آموزشی است.</p>
۷	۷	<p>تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری. این تدبیر از</p>	<p>- مهم‌ترین مسائل و نیازهای انسان ایرانی ۵۰ سال پیش رو چیست؟ با چه منطقی آن‌ها را کشف می‌کنیم (تعامل و</p>

۱. البته تدبیر ۸، به ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقدار علمی و فرهنگی، به‌ویژه معلمان و استادان پرداخته است.

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
		مؤثرترین اجزای الگو بر نرم‌افزارهای پایه پدافند غیرعامل فرهنگی است (+).	ادراک جهانی، تاب‌آوری، عاری از مصرف‌زدگی، متخلق و معنوی و...؟
۸	۱۰	اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی-ایرانی، به‌ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین. این تدبیر، مسائل سیاستی مهمی را دربرمی‌گیرد، اما نه تکلیف الگوی شهرسازی را معین می‌کند و نه تکلیف مسئله تنوع فرهنگی را؛ هرچند در مجموع، به سیاست خرد مهمی در امنیت فرهنگی-ملی اذعان دارد (+).	- احیای نوآورانه، متعهدانه و اجتماعی‌شده فضا و منظر در شهرها با اولویت «بافت‌های تاریخی»، «شهر و شهرک‌های جدید» و «محلات دارای ظرفیت».
۹	۱۵ و ۱۶	این دو تدبیر به فرهنگ علمی و فناوری جامعه می‌پردازد. حمایت/مطالبه از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم مسئله‌گرای مفید و ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی اما کارآمد. طبعاً نظام رسانه‌ای و فرهنگی کشور این تدبیر را مبنای برنامه‌ریزی قرار می‌دهد (+)، اما بهتر بود الگوی پیشرفت در زیرنظام فرهنگ علمی-تخصصی به صورت «گزاره توصیفی منجر به انشا» می‌آمد!	- فرهنگ‌سازی و نهادسازی برای رشد نخبگان مسئله‌گرا در حوزه و دانشگاه.

۱. اساساً به نظر این گزارش، همه متن باید چنین روشی اتخاذ می‌کرد؛ آنگاه سردرگمی برای کاربرد و تحمیل لغات و مفاهیمی مانند حمایت، اهتمام، پیگیری، گسترش و... به پایان می‌رسید.

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
۱۰	۱۹	<p>نهضت کسب و کار هنرهای نمایشی و کاربردهای فضای مجازی (اپلیکیشن)، به مثابه مزیت و ضرورت در اقتصاد فرهنگ، مورد نظر تدبیر است. طبعاً از مهم‌ترین مولدهای امنیت فرهنگی و نزاع رسانه‌های مسلط با سلاح افکار عمومی و جنگ شناختی) مورد توجه قرار گرفته است. فرض ما این است که مطالعات مفصل، این اولویت و انتخاب را به تدوین‌کنندگان داده است. در ضمن، بر دوگانه اصیل/بازاری هم تأکید شده و مانند همیشه به جای رسیدن به یک الگوی سوم، رعایت هر دو توأمان سفارش شده است^۱.</p>	<p>- رشد و تحول در صنایع فرهنگی-هنری و رسانه‌ای بر جدایی و تقاضای اصیل مخاطبان (غیرفعال و فعال) مبتنی است. - تأمین شاخص‌های جهانی و داخلی رونق فرهنگی. - مرجعیت و تولید برند در محصولات فرهنگی، رسانه‌ای و هنری استراتژیک معرف انقلاب و تمدن نوین اسلامی.</p>
۱۱	۳۴	<p>این تدبیر به گسترش قطب‌های گردشگری با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز (تصویر ملی) تأکید دارد. انواع عمده گردشگری (طبیعی، فرهنگی، مذهبی و سلامت) این قابلیت را دارد؛ ضمن آنکه، اقتصادی</p>	<p>- طبعاً ایمن‌سازی صنعت گردشگری، خصوصاً گردشگری مذهبی ایران از رکود ناشی از تهدید و چالش‌های جهانی و منطقه‌ای؛ به نحوی که در موقعیت جنگ و نزاع، کمترین آسیب را ببیند، باید مورد توجه باشد^۲.</p>

۱. با استفاده از میراث فرهنگی و ادبی اسلامی-ایرانی و قابلیت‌های ملی و محلی و نیز مطابق تقاضا و پسند مخاطب منطقه‌ای و جهانی.

۲. پیمان لاهه برای حفاظت از اماکن فرهنگی در موارد بروز درگیری‌های مسلحانه است. این پیمان که یادداشت تفاهم در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در لاهه (هلند) به تصویب رسید، نخستین توافق‌نامه بین‌المللی بود که منحصرأ به حفاظت از اماکن فرهنگی در صورت بروز درگیری مسلحانه اختصاص داشت. برای تحکیم بیشتر این پیمان، یادداشت تفاهم دومی در ۱۹۹۹ تصویب شد و از ۹ مارس ۲۰۰۴ به اجرا درآمد. از زمان تصویب در سال ۱۹۵۴،

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
		آزاد از تحریم، درون‌زا و کاملاً بهره‌ور را تأمین می‌کند که خود می‌تواند در ساخت انگاره‌های جهانی نسبت به کشور مؤثر باشد و بازدارندگی مبتنی بر افکار عمومی مثبت ایجاد کند.	
۱۲	۴۴	بی‌شک از نقاط طلایی فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه ایران، نیل به فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه است که نیازمند ترویج و گفتمان‌سازی است (+)، لکن تسری نظریه مردم‌سالاری دینی در حکمرانی فرهنگ و ارتباطات (، اقتصاد، سیاست داخلی و روابط اجتماعی و...)، رمز پیشرفت جامعه ایرانی و هدف این‌چنین سیاست‌هایی است که مورد توجه قرار نگرفته است.	- نظریه مردم‌سالاری دینی به مسائل مهمی مانند مشارکت، نظارت، امنیت و تنوع فرهنگی در جامعه ایرانی پاسخ می‌دهد. - نسبت نظریه و الگوی ولایت فقیه با هویت فرهنگی جامعه ایرانی دائماً باید تبیین شود تا به تقویت امنیت فرهنگی ملی منجر شود.
۱۳	۴۷	آزادی ^۱ از ارکان فرهنگی قوام جامعه مطلوب و انواع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای آن از اهداف جمهوری اسلامی ایران بوده که نیازمند الگوی کاربردی ملهم از نظریه دینی و معنوی آزادی است. این تدبیر بی‌آنکه به فقدان این الگو در چهار دهه اخیر توجه داشته باشد، تقویت فضای آزاداندیشی را پیشنهاد داده و البته	- برخورداری از آزادی‌های مشروع و قانونی در زمره مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست و به دلایل گوناگونی، تاریخ نظریات، ایدئولوژی‌ها و حکمرانی‌ها نشان داده است که حکومت‌ها به اسم برقراری عدالت یا امنیت، تمایل زیادی به نادیده گرفتن آن‌ها دارند. از این رو «راولز» در خصوص رابطه عدالت با آزادی، معتقد

تعداد ۱۰۹ کشور به این پیمان پیوستند. از این رقم، تا سال ۲۰۰۴، ۸۸ کشور به یادداشت تفاهم اول و ۲۲ کشور به یادداشت تفاهم دوم ملحق شدند.

۱. هرچند در هر نظم اجتماعی و سیاسی، با قیود، حدود و شرایطی، سوءاستفاده یا انحراف از آن کنترل می‌شود.

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
		بیشتر به ساحت آزادی سیاسی ^۱ محدود شده است.	است: «کسانی که داعیه عدالت‌ورزی دارند، اگر کوچک‌ترین تردیدی در حقانیت و ضرورت تضمین آزادی‌های مشروع قانونی و سیاسی کنند، یا غیرصادقانه رفتار می‌کنند یا حداقل درک روشن و دقیقی از مفهوم عدالت ندارند».
۱۴	۵۴	«دیپلماسی وحدت» یا تقریب مذاهب اسلامی از اهم ثابتهای نظام فرهنگی جمهوری اسلامی بوده است. در این تدبیر، به حداقلی از ماهیت این الگو، یعنی «تمرکز بر مشترکات و پرهیز از اهانت به مقدسات مذاهب» توجه شده و توضیح دقیق‌تری در خصوص الگوی سیاستی تقریب داده نشده است.	- وحدت و انسجام اسلامی، امکان معاضدت ملت‌های مسلمان را در برابر تهدیدها و تهاجم‌ها محقق می‌کند. در واقع، قدرتی منطقه‌ای و هویتی ایجاد می‌کند که افزون‌بر قدرت ملی هریک از ملل مسلمان است. در الگوی فعلی تقریب، بیشتر مایه‌های سیاسی فعال است حال آنکه توجه به تعایش فرهنگی، همدلی و رفع سوء تفاهم‌های ذهنی رسانه‌ای و هم‌زیستی اجتماعی فرق و مذاهب در کنار هم، مورد غفلت است.
۱۵	۵۶	این تدبیر، گسترش دیپلماسی عمومی را بدون هیچ توضیحی در خصوص الگوی سیاستی جمهوری اسلامی ایران در این باب، تصریح کرده است.	- بازمهندسی و بازآفرینی نظام دیپلماسی ملی مبتنی بر وجه عمومی (دیپلماسی وحدت، مقاومت، عترت، خدمت و هویت) ^۲ .

۱. به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر آن و حفظ مسیر انقلاب اسلامی.

۲. بخشی از توضیح این پنج‌گانه جامع و مزیت‌بخش که البته دیپلماسی رسمی، اقتصادی و... را می‌توان بر اساس آن توسعه داد، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد علیرضا کوهکن (۱۳۹۷) در دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام‌صادق(ع) آمده است.

ردیف	شماره تدبیر	نقد	اصلاح و تکمیل
۱۶	۱۶	ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی روزآمد و کارآمد، ارتقای دانش‌های مهارتی و تنوع‌بخشی به شیوه‌های مهارت‌افزایی. این تدبیر، مربوط به حوزه آموزش‌های عالم و غیرکلاسیک است. همان‌طور که در بخش یک گزارش هم گفتیم، تنها بند فرهنگی-تربیتی سیاست‌های پدافند نظام (بند ۷) هم به همین عرصه نظر داشته است.	دکترین‌هایی مانند «یادگیری مادام‌العمر» یا «آموزش پسااجباری» (الکاک و راولینگسون، ۱۳۹۱: فصل ۴۲) یا...، فارغ از اینکه در کدام زیست‌بوم توسعه مطرح شده است، برای تصمیم‌گیران ملی، الهام‌بخشی و معنابخشی دارد. حال آیا این ایده نسبتاً برنامه‌ای (بسیار فروتر از سیاست)، پاسخ‌گوی الگوهای درخواستی برای نظام آموزش و مهارت عمومی/زندگی است؟

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول (۲)، مبتنی بر ماهیت و اهداف پدافند غیرعامل که طبعاً با توجه به ادبیات امنیت فرهنگی، آن‌ها را تفسیر کرده و می‌کنیم، به سراغ نقد درونی تدابیر فوق می‌رویم.^۱ این جدول امکان ارزیابی کمی تدابیر فرهنگی الگو را با نگاه حداقلی فراهم می‌کند. اهداف پدافند غیرعامل بر اساس اسناد بالادستی، در پنج حوزه احصا شده است. در این جدول، ربط تدابیر با اهداف پدافند را بررسی می‌کنیم و این به معنای تأمین هدف نیست. در واقع، می‌توان با اصلاح و تحول در تدبیر موجود، تحقق باطنی و عمقی اهداف در الگوی فعلی را بهبود بخشید.

۱. علامت+ به معنای ترابط و توافق و علامت - به معنای عدم ترابط و تأمین هدف و علامت ستاره به معنای غیرقابل بررسی و خارج از موضوع بودن است.

جدول (۲): رویکردهای مطرح برای تحقق پدافند غیرعامل فرهنگی

شماره تدبیر	افزایش بازدارندگی	کاهش آسیب پذیری	تداوم فعالیت‌های ضروری	ارتقای پایداری ملی	تسهیل مدیریت بحران
۱	*	-	*	*	*
۲	-	*	*	+	-
۳	-	-	*	+	*
۴	*	-	*	-	+
۵	-	+	*	+	*
۶	-	-	*	+	*
۷	*	+	+	-	+
۱۰	+	-	*	-	*
۱۶/۱۵	*	+	+	+	-
۱۹	+	-	+	-	-
۳۴	+	+	-	-	*
۴۴	-	+	-	-	*
۴۷	+	*	*	+	*
۵۴	-	*	*	+	-
۵۶	+	-	*	*	+
۱۵ مورد					

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول (۲) مشخص می‌شود که رویکردهای مطرح در بخش اول را برای تحقق پدافند غیرعامل فرهنگی، خصوصاً با توجه به بعد ادراکی-شناختی تهدیدات و آسیب‌های افکار عمومی، می‌توان در برخی راهبردها وارد ساخت (مواردی که بی‌ستاره یا کم‌ستاره است). درضمن، در مواردی که با علامت منفی مشخص کرده‌ایم، با جهت‌گیری مبهم و در واقع، بی‌جهتی مواجه هستیم که باید متناسب با سیاست‌های کلی نظام یا مطالعات و اجماع‌آفرینی‌های جدید، آنها را اصلاح کرد.

نتیجه‌گیری و یافته‌های نهایی

این بخش، عملاً به سه عنوان کلی می‌پردازد و نسبت به سیاست‌های مطلوب پیشنهادی منعکس شده در «الگوی پایه»، هدف تغییر، حذف یا تأسیس را پی می‌گیرد. تلاش ما در تدابیر تأسیسی این است که به هدف و مسئله‌های سیاستی موجود در نظام امنیت فرهنگی-ارتباطی کشور توجه داشته باشیم. گفتنی است در هر مورد، باید حداقل موارد زیر را در قالب شناسنامه تدبیر، به رؤیت جامعه سیاستی و ابلاغ‌کننده نهایی تدابیر رساند تا تصمیم‌گیری معقول حکمرانانه صورت پذیرد.

الف- نسبت با مبانی الگو.

ب- هدف تدبیر.

پ- شرایط محیطی و مسئله‌شناسی وضع موجود.

ت- نسبت با اهداف متناظر در افق.

ث- ارتباط ساختاری (تدابیر کمکی و اهداف هم‌راستا).

ج- شاخص پایش و نظارت.

چ- نظریه و دکترین‌های رقیب/جهانی.

پیشنهادات تغییر: در قسمت نقد بخش دوم، عمده پیشنهادات تغییر مطرح شد.

پیشنهادات حذف: تدابیر ۱ تا ۳ مباحثی مبنایی را مطرح کرده‌اند، اما اساساً ربطی به تدابیر ندارند.

پیشنهادات تأسیس: پیشنهادات تأسیسی بر اساس حوزه‌ها یا مسائل سیاستی کلانی

که در سند الگوی پایه مورد غفلت قرار گرفته است، مطرح می‌شود.

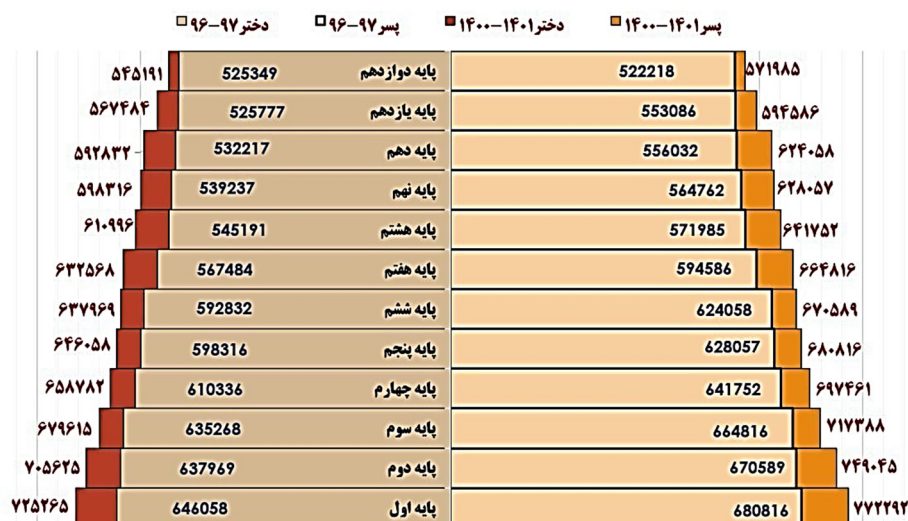
۱. ساخت و استحکام‌بخشی و محوریت دادن به هویت ملی، به‌مثابه هسته نرم جمهوری اسلامی ایران، همچنان باید در دستور کار دولت و ملت باشد. در عصر گریز از مرکز هویت‌ها و سیالیت خودآگاهی و تضعیف ملیت به سود دهکده‌های جهانی همسو با نظام مادی، همچنان هویت ملی است که قدرت‌آفرینی می‌کند و دفاع همه‌جانبه را محقق می‌سازد. دکترین هسته واحد و پوسته پویا و اقتضایی که در اندیشه رهبر انقلاب (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۱۱۹-۱۴۳) و دیگر اسناد بالادستی مورد توجه بوده است (امامی، ۱۳۹۲، صص. ۳-۳۴)، همچنان مورد تأکید است.

۲. یکی از حوزه‌های مغفول که شاید به بهانه سند تحول از توجه کمتری برخوردار است، آموزش و پرورش است. این در حالی است که ما شاهد عرصه‌های مغفول در همان سند و نیز چالش‌های جدید در این عرصه هستیم. نظام آموزش و پرورش ما هنوز از فقدان الگوی اقتصاد سیاسی و نحوه مداخله دولت رنج می‌برد و سرانه هر دانش‌آموز در بودجه دولتی و بیت‌المال، از پایین‌ترین موارد در مقایسه با کشورهای دیگر است. در بسیاری مواقع، دولت‌ها مدعی هستند که این عرصه را باید با خیران و حمایت‌های مالی مردمی تأمین کنند و نیز با طرح‌هایی مانند خرید خدمات آموزشی (مشابه طرح کوپن آموزش در ایالات متحده)، کمبودها را بدون گسترش حجم دولت جبران کرد حال آنکه هریک از این طرح‌ها یا برنامه‌ها محصول دکترین و الگویی خاص در نظام آموزش و پرورش است. پیشنهاد ما در این باره، تدبیری اساسی است که می‌توان آن را اقتصاد مشارکتی (خانواده/دولت و دین) و آموزش مبتنی بر عدالت و کیفیت نامید. از این‌رو نظام باید به سرعت از تولید نابرابری آموزشی به واسطه تقویک مدارس به دولتی و غیرانتفاعی، سمپاد، نمونه دولتی و... جلوگیری کند. دسته‌بندی‌های مختلف مدارس و جداسازی دانش‌آموزان و گرایش معلمان حرفه‌ای‌تر به مدارس گران‌قیمت و تدریس خصوصی و مؤسسات کمک‌آموزشی، منجر به بازتولید نابرابری آموزشی و درنهایت، ناکام ماندن دانش‌آموزان طبقات پایین‌تر جامعه در چرخه رقابت و ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر شده است.^۱ این بی‌توجهی دولت‌ها به آموزش، متأسفانه از ویژگی‌های کشورهای عقب‌مانده است که کشور رو به پیشرفتی مانند ما هم گرفتار آن شده است. از دهه پیش، یونسکو به دولت‌های عضو توصیه کرده است بین ۴ تا ۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۵ تا ۲۰ درصد بودجه عمومی را به آموزش عمومی اختصاص دهند، اما وضعیت ایران بدین صورت است که ۱/۵ تا ۲ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد بودجه عمومی دولت، به آموزش و پرورش اختصاص دارد. همچنین، پرداخت از جیب خانواده‌ها در تأمین مالی آموزش عمومی به‌طور متوسط ۲۰ درصد است. این نسبت در کشورهای پردرآمد حدود ۱۸ درصد

۱. تصور کنید دانش‌آموزی ۱۲ سال دوران تحصیلش را در مدارس دولتی گذرانده است و حالا باید در آزمون کنکور با دانش‌آموزانی رقابت کند که در این سال‌ها به لحاظ آموزش، شرایط ویژه‌ای را در مدارس خاصشان داشتند، اساساً می‌توان این شرایط را برابر دانست؟

و در کشورهای کم‌درآمد حدود ۳۳ درصد برآورد شده است. بر اساس پایین‌ترین برآوردها، سهم پرداخت از جیب خانواده‌های ایرانی (صرفاً شهریه‌ای که به مدارس دولتی و غیردولتی می‌پردازند) از مجموع هزینه‌های آموزش و پرورش، حدود ۳۳ درصد است. مسئولان آموزش و پرورش بر این باورند که آموزش و پرورش در کشور گران اداره می‌شود و سیاست‌گذاری‌ها در مسیر ارزان کردن هزینه‌های اداره آموزش و پرورش حرکت می‌کند. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی‌های اشتباه در سال‌های اخیر، افزون‌بر چنددسته کردن مدارس، بار هزینه‌های آموزش را به دوش خانواده‌ها انداخته است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵).

تأمین منابع انسانی دارای صلاحیت حرفه‌ای و پایدار، خود، چالش دیگری است. به نظر برخی^۱، ما تا کمتر از ۱۰ سال آینده، با بحران تأمین و تربیت معلم مواجه هستیم. در حال حاضر، بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز در کشور داریم^۲ و ۱۲ سال دیگر، ۱۹ میلیون دانش‌آموز خواهیم داشت.



نمودار ۱- مقایسه کل جمعیت آماده ورود به مدرسه در پایه‌های مختلف برای سال‌های تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ و ۱۴۰۰-۱۴۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

۱. مصاحبه محقق با دکتر حسین خنجر، رئیس وقت دانشگاه فرهنگیان و استاد مدیریت دانشگاه تهران در همین موضوع.
۲. به گفته بطحایی، وزیر وقت آموزش و پرورش، و به نقل از: شبکه خبر مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۹.

همین امروز هم در منطقه ۶ تهران، کلاس‌های ۴۰ نفره داریم درحالی‌که ۳۰ هزار معلم داریم (۹۰۰ هزار نفر استخدامی افزون‌بر حق‌التدریس‌ها، نهضت سوادآموزی و...) که ۲۰۰ هزار نفر تا دو سال آینده و ۲۰۰ هزار نفر دیگر تا ۱۴۰۴ بازنشسته می‌شوند! حال این کمبود معلم را کدام الگو و نهاد و با چه سرعت و کیفیتی جبران می‌کند؟ پیشنهاد ما، تربیت و سازمان‌دهی مربیان و معلمان در درون جبهه جوان و مردمی انقلاب اسلامی و به عبارتی، تأمین شبکه‌ای معلم از طریق غیررسمی و غیرحضوری، با محوریت دانشگاه فرهنگیان است. با توجه به نقش آموزش و پرورش عمومی در امنیت فرهنگی و هم‌گرایی هویتی، مواجهه فعال با نیازهای توسعه‌ای و کیفیت‌بخشی این حوزه در تغایربخشی و استقلال نظام از الگوهای غریبومی (مثلاً سیاست‌های مرتبط سند هزاره ملل متحد/میلیونوم/۲۰۳۰)، شایسته است تدابیر آموزش و تربیت را از مصادیق پایدارسازی و مصون‌بخشی فرهنگی و تأمین امنیت فرهنگی ملی بدانیم.

۳. سامانه‌های مهندسی فرهنگ

الف- مشارکت فرهنگی در تراز جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از مردم برای تحقق اهداف فرهنگی جامعه و نظام، از عرصه‌های مغفول سند موجود است.

ب- نظارت بر فعالیت‌ها، خدمات و محصولات فرهنگی-هنری رسانه‌ای، از دیگر شئون سیاست‌گذار فرهنگی است. دو چالش مهم که در آینده نظارت فرهنگی شاهدیم، یکی، کارآمدی نظارت به‌نحوی که تأمین‌کننده امنیت فرهنگی و هدایتگر امین فعالان فرهنگی باشد و دیگری، فرایند و الگوی اجرای این نظارت‌هاست که پسینی باشد یا پیشینی و متمرکز باشد یا غیرمتمرکز.

پ- مباشرت فرهنگی: اجرای مستقیم طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی-ارتباطی یا مداخله مستقیم دولت و نهادهای عمومی در فعالیت‌ها، خدمات و محصولات فرهنگی، باید تابع الگویی مشخص باشد تا از سویی، تنوع و آزادی فرهنگی به خطر نیفتد و از سوی دیگر، انگیزه و شرایط کنشگری فعال مردم در این عرصه مخدوش نشود. «مباشرت بالضروره با تأکید بر راه‌اندازی و جریان‌سازی» الگویی است که تمایز مشخصی با الگوهای لیبرال یا توتالیتر دارد.

ت- تنوع فرهنگی: دکترین هم‌افزایی فرهنگی در مقابل همگون‌سازی فرهنگی (نقض و هدم تنوع‌های فرهنگی ناشی از امپریالیزم صنایع فرهنگی آمریکایی) یکی از الگوهای است که مسئله مواجهه نظام با تنوع‌های فرهنگی درونی و بیرونی را تدبیر می‌کند. دهشیری (۱۳۹۳، صص. ۲۵-۴۴) معتقد است، هم‌افزایی فرهنگی، رویکردی مناسب برای توسعه اجتماعی کشور شمرده می‌شود؛ زیرا در عین حفظ هویت و همبستگی اجتماعی، بر تعامل رویکردهای فرهنگی همه اجزای جامعه تکیه دارد و به تفاوت‌ها به‌اندازه شباهت‌ها اهمیت می‌دهد و بازتاب‌دهنده برآیند هم‌زیستی فرهنگی همه اعضای جامعه است و در توسعه اجتماعی کشور نقش دارد. هم‌افزایی فرهنگی از رهگذر تقویت ارتباطات میان فرهنگی و تشویق گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی و درنهایت، توسعه اجتماعی کشور را فراهم می‌آورد.

ث- عدالت فرهنگی: این مقوله در کنار رونق فرهنگی (صنایع و خدمات فرهنگی) معنا می‌گیرد. دسترسی و توزیع عادلانه و رونق خدمات و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، مسئله مهم الگوی پیشرفت فرهنگ و ارتباطات است. در این خصوص، جهت‌گیری نظام اسلامی نسبتی تام با کلیت مسئله عدالت دارد و عدالت فرهنگی هم با رونق صنایع و فعالیت‌های فرهنگی همسوست (آشنا، ۱۳۹۷).

ج- حمایت فرهنگی: یکی از مهم‌ترین نسبت‌ها یا مداخلات طبیعی دولت‌ها در فرهنگ، به حمایت و کم‌وکیف آن از خلاقیت‌ها، فعالیت‌ها (تولید، توزیع و مصرف)، امکانات و منابع انسانی فرهنگ مربوط می‌شود. در واقع، ما برای تعیین کلی کمیت و کیفیت حمایت‌های بهینه دولت و بخش عمومی از فرهنگ، نیازمند الگویی دکترینال هستیم. بر اساس تحقیقات نگارنده، حمایت توانمندساز، غیرمستقیم و تأسیسگر می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

۴. نظام‌مندسازی امنیت فرهنگی: امنیت فرهنگی، مدیریت نفوذگری و نفوذپذیری هویتی و فرهنگی است. نه در نفوذگری اصل هویت و موجودیت مستقل کشورها خدشه‌دار شود و نه در نفوذپذیری، هویت ملی و سبک زندگی مضمحل شود. مدیریت نفوذ فرهنگی جهانی در سبک زندگی ایرانیان بر عهده همه نهادها، خصوصاً رسانه‌هاست. از این‌رو در بعد ملی، همان‌طور که در بخش یک شرح داده شد، نیازمند پویایی فعال و

پایایی مقتدارانه در مقابل تهدیدات هویت ملی (گوهری مقدم و لطیفی، ۱۳۹۶، صص. ۱۹-۱) هستیم. همان‌طور که می‌توان پوسته‌ها را تغییر داد، اما شاکله شیء را حفظ کرد، باید هسته هویت ملی مبتنی بر حافظه ملی، حفاظت فرهنگی و ارزش‌های بنیادین موجود در آن‌ها تقویت و تثبیت و پویایی لازم برای مواجهه با جریان‌های تغییرخواه درون‌زا و برون‌زا مدیریت شود. در بعد امنیت فرهنگی-انسانی، همان‌طور که در بحث تنوع فرهنگی اشاره شد، حقوق فرهنگی همه اقلیت‌ها و اقوام در نسبت با هسته معنوی و بنیادین اسلام و ایران باید طوری تدبیر شود که رسمیت و رشد متناسب را داشته باشد.

۵. فضای مجازی

الف- امنیت: تدبیر ایمن‌سازی فضای سایبری با رویکرد شبکه‌ای-جزیره‌ای ممکن است. امنیت شبکه و زیرساخت و فضاهای تبادل اطلاعات نیازمند حکمرانی مقتدارانه نظام است. یکی از دکترین‌های مطرح در این عرصه که نیازها و شرایط ما و تجارب جهانی آن را تأیید می‌کند، رویکرد بومی-سلولی شبکه‌ای است؛ یعنی هم شبکه و اتصال به جهان و هم امکان جزیره‌سازی برای امکان دفاع در برابر تهدید و تحریم^۱.

ب- محتوا و سواد رسانه‌ای: در جهان امروز، کشورهای قدرتمند تلاش می‌کنند با شیوه‌های گوناگون، حجم عظیمی از محتواهای هدفمند را که شهروندان دیگر کشورها را به سبک زندگی مورد نظر آن‌ها سوق می‌دهد، تولید کنند و با بمباران فکری افکار و اعتقادات، آن‌ها را به‌نحوی که با منافعشان سازگار باشد، تغییر دهند. این، همان موضوعی است که مقام معظم رهبری از آن با عنوان «جنگ نرم» یاد کرده‌اند. جنگ نرم در فضای مجازی، جنگ‌افزارها، مهمات و گلوله‌های خاص خود را دارد. محتوا، موشک قاره‌پیما و مهمات جنگی جنگ نرم است. هرکس محتوای بیشتر و باکیفیت‌تری تولید کند، موفق‌تر است. در جنگ نرم، کیفیت محتوا بسیار مهم است. خودکفایی، غنی و توانمندسازی مولدان و منابع در محتوای فضای مجازی در کنار دکترین خانواده متولی مصرف در سواد رسانه پیشنهاد می‌شود. براین‌اساس، مقررات‌گذاری، حمایت، سازمان‌دهی و حتی مباشرت‌های دولتی تنظیم می‌شود. به نظر بسیاری، مهم‌ترین رکن و ابزار سیاست‌گذاری

1. <http://paydarymelli.ir/fa/news/46256>

محتوا بر بستر فضای مجازی، مقررات‌گذاری است و نباید مقررات‌گذاری را تابع دکترین بازارپایه و سوداگرانه قرار داد. پیش از این، مفهوم محتوای پاک در ادبیات سیاست‌گذاری فضای مجازی ایران شیوع یافته بود.^۱ مدل راهبردی مشارکت همراه با هدایت مالکیت فکری در فضای مجازی^۲ نیز در همین موضوع ارائه شده است.

پ- بازار: طبعاً اقتصاد آینده مبتنی بر تحولات شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات است. کاستلز در سه‌گانه مهم جامعه شبکه‌ای، به‌طور مفصل از تاریخ اقتصادی جدید سخن گفته است. دکترین فضای مجازی ایران باید نسبت به کلان مسئله بازار، تجارت، کسب‌وکار و کارآفرینی پاسخ‌گو باشد و حاکمیت و حکمران ملی را در این راستا، به‌جهتی اجماع‌بخش و مشخص رهنمون سازد.

ت- دسترسی و زیرساخت: توسعه را اساساً مقرون با افزایش زیرساخت و فرصت‌های بهره‌برداری از امکانات و منابع دانسته‌اند. حال در خصوص فضای مجازی و ویژگی‌های نوین فناوری، مسئله استقلال و یرامدی، نباید دوگانه پنداشته شود. آیا می‌توان از الگوی چین یا حتی کره در جمع بین خودکفایی و کارآمدی بهره گرفت؟ دسترسی فراگیر و عادلانه و البته متناسب با نیاز همه شهرمندان به شبکه، خود زیرمسئله مهمی است.

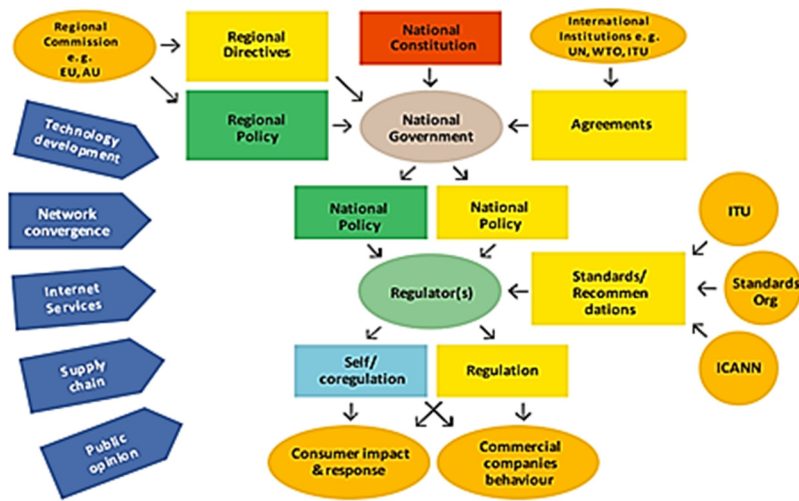
۱. وضعیت‌شناسی تولید و مصرف محتوای فضای مجازی در ایران، سیاست‌های کلان مدیریت محتوای ملی ایران، آسیب‌شناسی محتوای ملی در فضای مجازی ایران، جرایم و مقررات جزایی و حقوقی در فضای مجازی ایران، حق نشر در فضای مجازی ایران، طبقه‌بندی محتوا در فضای ایرانی، زبان و خط فارسی در محیط مجازی ایران، حفظ و تقویت زبان و ادبیات فارسی در فضای مجازی، محتوای بین‌المللی در فضای مجازی ایران، قوانین و مقررات مرتبط با فضای مجازی ایران، استانداردهای تولید محتوا در فضای مجازی ایران، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نسبت به تولید محتوا در فضای مجازی ایران، ارزش‌های انقلاب اسلامی در محتوای مجازی ایران، شاخص‌ها و مقیاس‌های ارزیابی ساختار، برنامه و محتوای فضای مجازی دولتی ایران، رتبه‌بندی محتوای ملی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران، تیپ‌شناسی خدمات فرهنگی مجازی در فضای دوم ایران، ارائه مدل مطلوب برای مدیریت محتوا در فضای مجازی ایران، تحلیل انتقادی سلطه دشمنان ایران در فضای مجازی و مدل‌های هم‌افزایی تولید محتوای ارزشمند در فضای مجازی، سایر مباحثی است که برای رسیدن به دکترینی در حوزه محتوا مورد دقت پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. مقاله سعیدرضا عاملی و ابراهیم محسنی آهویی در نخستین همایش محتوای ملی در فضای مجازی، منتشر شده

در:

ب- پالایش: نوع الگو در فیلترینگ که بر اساس آن، امکانات و ابزار حفاظت و پالایش، انتخاب و طراحی می‌شود. با تحولات نوین، بلاکچین و نفی امکان فیلترینگ هوشمند ملی، نشان داده شد نباید در چهارچوب فناوری و نظام‌های رایج غرب و به‌طور مشخص، شرکت‌های اصلی رسانه و ارتباطات مجازی محدود شد و باید با نوآفرینی و البته خلاقیت فناوریانه، مسیری برای فیلترینگ ملی بدون تحدید آزادی‌های اساسی و ارتباطی پیدا کرد.

ت- نظام رگولاتوری: نظام تنظیمی، خود شامل اجزا و ارکان مختلف است. از دیدگاه سیستمی، نظام تنظیمی دارای سه بخش مشتمل بر سازوکارهای سنجش و ارزیابی وضعیت بخش و نظارت بر آن به‌عنوان ورودی سیستم، مجموعه تصمیم‌گیری برای تعیین و اتخاذ راهکار و روش مناسب برای هدایت بخش از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب، و درنهایت، ابزارها، سازوکارها و اهرم‌های اجرایی لازم به‌عنوان خروجی سیستم برای اعمال حاکمیت و هدایت بخش است. حال باید کلان سیاست یا همان دکترین حاکم بر این حوزه اعلام شود.



شکل (۲): پیشنهادات تأسیسی بر اساس حوزه‌ها یا مسائل سیاستی کلانی که در سند الگوی پایه مورد غفلت قرار گرفته است

منبع: یافته‌های تحقیق

افزایش سرعت اینترنت زمینه مناسبی برای ارائه حجم عظیم محتوای صوتی و ویدئویی به مخاطب در بستر وب فراهم کرده است و تولیدکنندگان محتوا، اکنون قادرند محصولات خود را با واسطه کمتری به کاربران نهایی تحویل دهند. اکنون در این فضا، تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویر، متناسب با بسترهای نوین انتشار در فضای مجازی، به مسئله مهمی تبدیل شده است و به هر میزان که حمایت از فرهنگ بومی و ترویج و تقویت ارزش‌های دینی و ملی از بستر رسانه مهم‌تر باشد، حضوری مؤثرتر، پویا و ابتکاری را در میدان تنظیم‌گری رسانه‌های نوین طلب می‌کند. بر اساس پژوهشی راهبردی که می‌توان در فهم الگوی پیشرفت و حکمرانی توسعه فضای مجازی کشور آن را مورد توجه قرار داد، الگوی مطلوب نظام تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویر در بسترهای نوین انتشار فضای مجازی، درنهایت، از خلال مطالعات مبنایی، مطالعات تطبیقی و مصاحبه با کارشناسان، ساختار نظام لایه‌ای تنظیم‌گری مطلوب ساختار رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است. در این ساختار، سازمان صداوسیما به دلیل سبقه سنتی و قانونی، ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و مشکلات بر سر راه تأسیس تنظیم‌گر کاملاً مستقل در شرایط فعلی، در دوران گذار، متولی تنظیم‌گری خواهد بود و بخشی از وظایف آن با تمسک به نگاهت نهادی شورای عالی فضای مجازی در تقسیم‌بندی‌ای عرضی، به نهادهای حاکمیتی، سازمان‌های تخصصی، بخش خصوصی، خانواده و فرد تفویض خواهد شد. این پنجره واحد تنظیم‌گری با تأسیس نهاد عالی نزدیک به رأس هرم سازمان صداوسیما، با ترکیب اعضای فراسازمانی متشکل از بخش دولتی و خصوصی و مأموریت فرانهادی ایجاد شده است تا درنهایت، پس از طی دوران گذار، به استقلال کامل مورد نیاز سازمان تنظیم‌گر دست یابد. در این الگوی سه‌لایه، تنظیم‌گری لایه نخست که محتوای آن حساس و سرویس بسیار فراگیر است، به شیوه حاکمیتی با نهاد عالی تنظیم‌گر نظارت می‌شود. این بخش استراتژیک است و قابل واگذاری نیست. در لایه دوم، از ظرفیت دیگر بخش‌های نظام مانند سازمان‌های دولتی و غیردولتی تخصصی از طریق مذاکره و توافق با نهاد عالی تنظیم‌گر استفاده می‌شود. در این سطح، سرویس همچنان فراگیر و حساسیت محتوایی کمتر از سطح نخست است. تنظیم‌گری محتوا در این سطح را سازمان‌های تخصصی انجام می‌دهند. در لایه سوم، دایره فراگیری محدود و حساسیت محتوایی پایین است. در این سطح، ضوابط

به بخش خصوصی توانمند اعطا شده است و در صورت تخلف از این ضوابط، برخوردهای چندمرحله‌ای، از دستور حذف محتوا تا وضع جریمه‌های سنگین مالی صورت می‌گیرد. در پژوهش دیگری، الگوی نهاد تنظیم‌گر هم‌گرا، اما مستقل از همه بازیگران موجود، سفارش شده است (ناظمی و اسماعیلیان، ۱۳۹۷).

۶. حوزه مهم افکار عمومی: تحول جایگاه افکار عمومی در ذهن نخبگان و کارگزاران به‌عنوان دارایی راهبردی سطح اول نظام که بااهمیت‌ترین نقش را پس از ایمان و بصیرت خواص در موقع تهدید و بحران دارد، مهم‌ترین نیاز سند الگو در این حوزه است. برای مثال، می‌توان تدبیری با عنوان راهبری صداقت پایه افکار عمومی به‌مثابه دارایی راهبردی نظام سیاسی را افزود. مناسبات حوزه امنیتی با افکار عمومی، خود دارای مدل‌های دولتی و غیردولتی مختلفی است (افتخاری و قدرت‌آبادی، ۱۳۹۵، صص. ۱۵-۱). الگوی مختار، مردم‌سازی امنیت بر پایه رشد افکار عمومی است (ابن‌الدین حمیدی، ۱۳۸۹، صص. ۱۳۰-۱۰۵).

جدول (۳): دارایی راهبردی سطح اول نظام

حوزه	موضوع تدبیر تأسیسی	متن
تربیت و آموزش	اقتصاد سیاسی	اقتصاد مشارکتی (خانواده/دولت و دین) آموزش مبتنی بر عدالت و کیفیت
	تأمین منابع انسانی	
هویت ملی	سیاست‌گذاری کلان	جاگیری آموزش و تربیت در صدر نقشه پیشرفت ملی با تأکید بر پایدارسازی و مصون‌بخشی فرهنگی و تأمین امنیت فرهنگی ملی
	هسته مقاوم، پوسته متناسب و اقتضایی	
مهندسی فرهنگی	مشارکت و مردم‌سازی	تحقق مسئولیت فرهنگی منجر به مشارکت مردمی در بیش از نیمی از فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی رسانه‌ای هنری
	نظارت	تنظیم‌گری حاکمیتی، نظارت تخصصی، مراقبت مردمی با محوریت امر به معروف و نهی از منکر

حوزه	موضوع تدبیر تأسیسی	متن
	مباشرت و مداخله	مدیریت بالضروره با تأکید بر پشتیبانی و جریان‌سازی فرهنگی
	تنوع فرهنگی	هم‌افزایی فرهنگی
	حمایت و تسهیلات	حمایت توانمندساز، غیرمستقیم و تأسیسگر
فضای مجازی	امنیت	ایمن‌سازی فضای سایبری با رویکرد شبکه‌ای-جزیره‌ای
	محتوا	خودکفایی، غنی و توانمندسازی مولدان و منابع در محتوای فضای مجازی
	تنظیم مقررات	دکترین خانواده متولی مصرف در سواد رسانه
	پالایش	نظام لایه‌ای تنظیم‌گری
افکار عمومی	سیاست‌گذاری کلان	راهبری صداقت پایه افکار عمومی به‌منابه دارایی راهبردی نظام سیاسی
	عملیات رسانه‌ای شناختی	مردمی‌سازی امنیت بر پایه رشد افکار عمومی
امنیت فرهنگی	ملی	پویایی فعال و پایایی مقتدارانه هویت ملی
	انسانی	اعتلای حقوق فرهنگی همه اقلیت‌ها و اقوام در نسبت با هسته معنوی و بنیادین اسلام و ایران

منبع: یافته‌های تحقیق

کتابنامه

- ابن‌الدین حمیدی، محمدرضا (۱۳۹۸). «رهبری افکار عمومی»، فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲، ۱۳۰-۱۰۵.
- احمدی، غلامعلی و دیگران (۱۳۹۵). «مروری بر نحوه تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش»، نخستین کنفرانس نخبگان مدیریت. نمایه‌شده در SID.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی‌شده؛ رویکرد اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، اصغر و علیرضا قدرت‌آبادی (۱۳۹۵). «سازمان‌های اطلاعاتی و افکار عمومی؛ راهبردی برای امنیت‌سازی»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۵(۱۹)، ۱-۱۵.

افتخاری، اصغر، علیرضا اسدی و ابراهیم زهت (۱۳۹۳). «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان، ۴(۱۱)، ۱۹-۴۳.
امامی، سیدمجید. (۱۳۹۲). از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه): نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی-ایرانی هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۴(۵۶)، ۳-۳۴.

آشنا، حسام الدین و اسماعیلی، محمدصادق (۱۳۸۸)، «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی». فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۲(۵)، ۷۳-۸۹.

آشنا، حسام الدین؛ اسماعیلی، هادی؛ اسمعیلی، محمدصادق؛ پورمحمدی، مصطفی؛ حسن‌پور، محمدمحسن؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۹۷). از سیاست تا سنجش فرهنگی؛ رویکردها و تجربه جهانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیطرف، احسان و مرتضی نیک‌فطرت (۱۳۹۵). «بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری»، فصلنامه مطالعات هنر و معماری، سال دوم، ۴ و ۵ (پیاپی ۱۱ و ۱۱).

دانایی‌فر، حسن (۱۳۹۸). «صبر، طاقتش برید»، دوفصلنامه تخصصی تأملات رشد، ۲۷۶-۲۸۸.
دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). «جایگاه هم‌افزایی فرهنگی در توسعه اجتماعی کشور»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۲۲)، ۲۵-۴۴.

الکاک، مارگارت و می راولینگسون (۱۳۹۱). مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی. تهران: دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام.

گوهری‌مقدم، ابوذر و سیدعلی لطیفی (۱۳۹۶). «تهدیدات هویتی از نگاه امام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۷(۲۳)، ۱-۱۹.

محبی، محسن (۱۳۹۷). «صیانت از افکار عمومی به مثابه یک دارایی راهبردی» ماهنامه خبری صیانت پایدار. کد خبر: ۴۴۱۹۲

مقتدایی، لیلا و زهرا امیری (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر مدیریت افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۶(۱۷)، ۶۳-۸۸.

میرسمیعی، سیدمحمد (۱۳۹۱ الف). پدافند غیرعامل (اصول و مبانی) چاپ اول. تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهاجا.

میرسمیعی، سیدمحمد (۱۳۹۱ ب). کلیات در دفاع غیرعامل (مجموعه شعله‌های سفید).

از دفاع غیرعامل تا امنیت فرهنگی؛ سیاست‌ها و تدابیر موجود و مطلوب... / سیدمجید امامی **مطالعات امنیت اقتصادی** ۱۵۳

ناظمی، امیر و ملیحه اسماعیلیان (۱۳۹۷). «ارائه الگویی برای نهاد تنظیم‌گر رسانه‌های نوین صوتی-تصویری بر پایه روش تصمیم‌گیری پابرجا»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. ۷(۲۶).

یونسکو (۱۳۸۱). *قدرت فرهنگ: اجلاس میان دولت‌ها درباره نقش زنان در سیاست‌های فرهنگی و توسعه* (مؤسسه تحقیقات بازتوانی و بهبود زندگی زنان، مترجم)، تهران: سرایی.